

گذری بر ابعاد حیات فرهنگی - تمدنی شیعیان در تاریخ اسلام، به روایت عبد الجلیل رازی در «نقض»

دکتر محمد باغستانی^۱

چکیده

آنچه در پی می آید، کوششی است در راه واکاوی متن معروف نقض، نوشته عبد الجلیل قزوینی رازی. در این واکاوی، ابعاد گوناگون حیات فرهنگی - تمدنی شیعیان در تاریخ اسلام به اجمال بررسی خواهد شد و ارزش های نهفته در این متن را در ارائه تصویری از نقش های گوناگونی که شیعیان اقلیت در درون جامعه اکثریت اهل سنت بر سیمای فرهنگ و تمدن اسلامی زده اند، نشان خواهد داد.

کلیدواژه ها: تاریخ تشیع، تمدن اسلامی، فرهنگ، نقض، عبد الجلیل رازی.

این که با نگاه امروزی بتوان به سراغ متون گذشته رفت و مفاهیم مورد نیاز زمانه اکنون را استخراج کرد، کنشی غیر عالمانه تلقی نمی شود به آن شرط که بتوان چارچوب مفاهیم و مصادیق آنها را تعیین نمود و سپس به استخراج همگانشان از متون گذشته دست یازید. اصطلاح فرهنگ و تمدن، اگرچه نو می نماید و در سده های اخیر، کاربرد فراوان یافته، بدان سان که توانسته کوشش ها و تکاپوهای ملل سده های دور و میانه را در جای جای این کره خاکی سامان دهد و به اقتضای نژاد یا جغرافیای خاص یا زمان

ص: ۸

معین به آنها منسوب گردد؛ اما این بدان معنا نیست که چون این اصطلاح، تازه خلق شده، در گذشته چنین مفاهیم و مصادیقی وجود نداشته اند؛ آنها بوده اند هر چند نه به این نام و نشان کنونی و فرهنگ و تمدن هم در مفهوم و مصادیق گوناگون خود از همین مقوله اند. بل بر این، کوشش برای استخراج مفاهیم منطبق بر این دو و نیز مصادیق آنها از متنی چونان نقض، کنشی غیر محققانه نخواهد بود. هرچند در این ارتباط، میان متن های گوناگون هم تفاوت وجود دارد، یعنی همه مفاهیم و مصادیق یک موضوع را از هر متنی نمی توان به یک اندازه استخراج کرد. با این مقدمه، به سراغ متن کتاب نقض می رویم و به استخراج گزارش های فرهنگی و تمدنی از آن می پردازیم.

ویژگی متن کتاب «نقض»

^۱ (۱). عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مهم‌ترین ویژگی متن این کتاب، خروج آن از قالب معهود یک متن کلامی است؛ چرا که در متون کلامی، به اقتضای این دانش، به بیان و تبیین شماری از گزاره‌های پذیرفته شده در چارچوب‌های معین مذهبی یا دینی پرداخته می‌شود و عمده‌ترین هنر مؤلف یک متن کلامی، تسلط بر استدلال‌هایی منطقی و معقول در باره عقاید مقبول خویش و آگاهی از معایب و مغالطات موجود در عقیده مطرود خویش است و بس.

در متن کتاب نقض، هرچند مؤلف را در نگاه نخست باید یک متکلم دانست و فضای تدوین کتاب را به گفته خود او در مقدمه،^۲ فضای کلامی به شمار آورد و بخش‌هایی پُر حُجَم از متن را نیز مطابق با چارچوب معهود دانش کلام ارزیابی کرد، اما این همه ماجرای این متن نیست؛ چرا که بخش‌های قابل توجّهی در متن وجود دارد که به موضوعات نامعهود در متون کلامی پرداخته و به اصطلاح، فراتر از آن رفته است.

ص:۹

در این متن، دو بخش از اجزای مهم یک تمدن، در قالب گفتمان کلامی به گفتگو پرداخته اند. مؤلف بعض فضائِ الروافض خواسته یا ناخواسته، دانسته یا ندانسته، با ادبیات ویژه خود- که می‌توان گفت بخش مهم آن را عبد الجلیل در درون متن نقض قرار داده-، موضوع نوشته خود را از آغاز، گسترده در نظر گرفته و صرفاً به طرح ایرادهای عقیدتی و معهود کلامی، بر ضد عقیده مطرود خود نپرداخته است؛ بلکه کوشیده تا عقیده مطرود خود را در متن واقعیت تاریخی دیده و آن را تا سرچشمه‌های پیدایش در آغاز تاریخ اسلام دنبال کند و ضمن اثبات ناخواسته تداوم تاریخی این عقیده، موضوع را تا زمان خود پیگیری نماید.

همین سبک تدوین متن بعض فضائِ الروافض، هر پاسخ دهنده ای را به تقابلی مناسب با خود فراموش خواند؛ کاری که عبد الجلیل قزوینی نیز در متن خود پرداخته اش با عنوان نقض انجام داده و به فراخور آن متن گسترده و نفوذ فراوانش در میان عامّه شیعیان،^۳ متنی با موضوعات فراوان فراکلامی فراهم کرده است تا بتواند رقابتی هم سطح با آن متن و موضوعاتش داشته باشد.

بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان ادّعا کرد که مؤلف بعض فضائِ الروافض کوشیده تا در قالب دعاوی کلامی، هویت تاریخی و اجتماعی جامعه شیعیان را به نقد بکشد و نقش‌های مثبت آن را اندک و کم رنگ^۴ جلوه دهد و گاه با واژگانی تمسخرآمیز به مقصود خویش برسد^۵ و در برابر و هم‌زمان، جنبه‌ها و نقش‌های منفی جامعه شیعیان

ص:۱۰

^۲ (۱). ... مثبتان توحید و عدل را و مقران نبوت و امامت را و متابعان شریعت را به همت کذب منسوب کرده و سادات بزرگوار و مشایخ کبار را بی‌حجتی داشته ... (نقض، ص ۵).

^۳ (۱). ... در محافل کبار و حضور صغار بر طریق تشیع می‌خوانند و مردم عام غافل از استماع آن دعاوی بی‌بیت و معانی متحرّج می‌مانند (همان، ص ۲).
^۴ (۲). مانند این عبارت: ... در این فتوح علی و فرزندان کجا بودند که يك ده نه در مشرق و نه در مغرب استند و خود حاضر و يك علوی در این غزاها اول و آخر نبود از فرزندان او در دین هیچ اثر پیدا نشد (همان، ص ۱۵۳).

^۵ (۳). مانند این عبارت: ... در همه روی زمین از اهل اسلام از ائمه سلف و قضات و مقریان ... هر کسی در علم‌دینی دستی داشته است ... اختیار مذهب رفض نکرده‌اند مگر شَرِّ مذهب مجهول که به زندگه مذهب و حبّ ریاست و پیروی از شهوت و فسق و فجور معروف بودند (همان، ص ۱۸۴).

را به گمان خویش پُررنگ ترکرده^۶ و آنها را تخطئه نماید و در پایان بتواند پیدایش فرهنگ و تمدن اسلامی را به نفع اکثریت اهل سنت مصادره نماید.

از دگرسوی، عبد الجلیل قزوینی نیز که به درستی و دقت، هدف نهایی نویسنده کتاب را درک کرده، با فراهم آوردن استدلال‌ها و شواهد تاریخی متقن و ذکر مصادیق فراوانِ تکاپوهای فرهنگی - تمدنی شیعیان از گذشته تا زمان خود، این هدف را تخریب کرده و با پاسخ به شبهات و پرسش‌ها و قضاوت‌های گوناگون، نقش شیعیان را در ایجاد و تداوم فرهنگ و تمدن اسلامی در گذر زمان آشکار نموده است. از این رو، این متن به یک متن پُرچالش و پُررقابت میان اکثریت و اقلیت در درون یک فرهنگ و تمدن بزرگ جهانی یعنی فرهنگ و تمدن اسلامی، تبدیل شده است.

ویژگی دو نویسنده

با مطالعه دقیق نقض - که در واقع، در بردارنده «دو متن» در قالب یک کتاب است - به خوبی آشکار می‌شود که سطح اندیشه و واژگان به کار رفته و عبارت‌های استفاده شده از سوی دو چالش‌کننده که یکی مدافع اکثریت و دیگری حامی اقلیت است، یکسان نیست و نماینده اکثریت در مجموع از واژگان غیر متمدنانه و حقارت‌آمیز و خشونت‌زا و نادیده‌انگار رقیب به فراوانی سود برده است، در حالی که سبک واژگان و نوع استدلال‌ها و میزان پذیرش واقعیت‌ها و رعایت ادب مخاطبه در برابر رقیب و دیدن سهم و جایگاه او و عقیده اش در کلام عبد الجلیل قزوینی رازی، بیشتر قابل درک و مشاهده است. ریشه رویکرد عمیق و ژرفای مؤلف شیعی کتاب نقض در مقاله‌ای دیگر بررسی شده است.^۷

ص: ۱۱

قلمروهای فرهنگی - تمدنی مندرج در کتاب «نقض»

با توجه به تعاریف گوناگون فرهنگ و تمدن و نیز اختلافِ آرا در باره نسبت میان این دو مفهوم، به این تعریف بسنده می‌شود که دستاوردهای معنوی و مادی یک جامعه یا قوم یا ملت در طول تاریخ آنها، فرهنگ و تمدن ایشان نامیده می‌شود که رابطه بود و نمود با یکدیگر دارند و همین مبنا معیار مراجعه به متن نقض خواهد بود.

الف. علم‌دوستی

از نخستین مصادیق روشن تعیین‌کننده سطح فرهنگ و تمدن در میان هر جامعه، جایگاه علم و دانش در میان آنهاست.

مفهوم علم‌دوستی، مصادیق فراوانی دارد که در متن کتاب نقض به بعضی از آن اشاره شده است. آن‌گاه که مؤلف بعض فضاءات الروافض از کتاب‌های اندک شیعه در سراهای آنها یاد کرده است،^۸ مؤلف کتاب نقض در برابر، به فراوانی این کتاب‌ها در درون و برون سراهای شیعیان در شهرهای عراق و خراسان اشاره کرده و وجود آشکار او شناخته شده این مراکز را آشکارا در همه جا گزارش می‌کند.

^۶ (۱). مانند این عبارت: ... رافضی دهلیز ملحدی است ... (همان، ص ۱۱۸).

^۷ (۲). ر. ک: «بررسی جایگاه تعامل تمدن حوزه‌های علمیه شیعه در جهان اسلام»، مجله حوزه، ش ۱۵۸، ص ۱۱۸.

^۸ (۱). ... هیچ سرائی از سراهای محققان ایشان نیست و آلا از این کتابها یکی و دو در آن سراها باشد(نقض، ص ۱۷).

۱. وجود فضاهای علمی

عبد الجلیل برای ردّ ادعای تقیه در دعاوی مذهبی - که از سوی مؤلف بعض فضائح الروافض^۹ طرح گردیده - به وجود ده‌ها کرسی تدریس و منبرهای علمی در مساجد و مدارس شیعیان اشاره کرده است^{۱۰} که این فضاها از تکاپوهای آشکار علمی شیعیان

ص:۱۲

در آن روزگار خبر می‌دهد.

۲. منطق علمی

آن گاه که مؤلف بعض فضائح الروافض، بنیان گذاران مذهب روافض را گروهی خاص معرفی کرده است،^{۱۱} عبد الجلیل قزوینی، با منطق علم تاریخ، این ادعا را مردود می‌کند و نا عالمانه بودن ادعای مؤلف را از طریق ناهم زمانی بودن شخصیت‌های یاد شده توسط او اثبات می‌کند. عبد الجلیل با این منطق، هم آگاهی خویش را از تاریخ تشیع و شخصیت‌های آن اثبات می‌کند و هم ناآگاهی مؤلف به تاریخ شیعه را آشکار می‌سازد و سرانجام، با استفاده از منطق علمی، یکی از مهم‌ترین مصادیق علم‌دوستی را اثبات می‌کند.^{۱۲}

ص:۱۳

۳. القاب علمی - سیاسی

مؤلف بعض فضائح الروافض در ادعایی دیگر ابراز کرده که جماعت شیعه، هیچ لقب علمی - سیاسی‌ای نداشته‌اند.^{۱۳} عبد الجلیل رازی، با اشاره به تاریخ پیدایش لقب‌ها، از دوره‌ای یاد کرده که نه اهل سنت و نه شیعه، هیچ یک لقب نداشتند و

^۹ (۲). ... رافضی را عادت باشد که چون مذهب وی فراری وی داری، انکار کند و تقیه روا دارد (همان، ص ۱۹).

^{۱۰} (۳). ... کتب شیعه اصولیه، ظاهر و باهر است و بیرون آن که در سرائای ایشان باشد، نسخت های بسیار در کتب خانهای بلاد اسلام نهاد است ...، به ری در کتب‌خانه صاحبی و به اصفهان در کتب‌خانه بزرگ و به ساوه در کتب‌خانه بوطاهر خاتونی و به همه شهرهای عراق و خراسان معروف و مشهور ... این طایفه را در بلاد اسلام و شهرهای معظم، هزاران کراسی و منابر و مدارس و مساجد است که در آن تقریر مذهب کنند به ظاهر به حضور ترك و تازی و نو بت‌های عقود مجالس ایشان اظهر من الشمس است و آنچه مذهب ایشان باشد در اصول و فروع پوشیده ندارند در گفت و کتب و فتوی ... در معنی تقیه به وقت نزول مضرت روا دارند و موافقاند در این معنی با ایشان همه عقلا و همه طوایف مسلمانان که دفع مضرت معلوم و مظنون از نفس واجب باشد (همان، ص ۱۹).

^{۱۱} (۱). ... آن گروه که این مذهب نهاد محمد چهارمختار بود و ابو الخطاب محمد بن ابی زینب و پسران نوخت و بوزکریا شیرده فروش و جابر جعفری و یونس بن عبد الرحمان القمی الرافضی و محمد بن نعمان الأحوال معروف به شیطان الطاق و محمد سعید و ابو شاکر محمد بن دیصان و هشام بن سالم جوالیقی و هشام بن حکم الامامی و محمد بن محمد بن نعمان الحارثی المفید و ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی و ابو جعفر البابی و ابو طالب استرآبادی و ابوعبد الله از آل بویه الجوسی و زارة بن یحیی الفاسی و ابن البرقی (همان، ص ۲۳).

^{۱۲} (۲). ... هر عاقل که اندک مایه آگاه باشد از علم و تواریخ و آثار و اسامی رجال و آن علومی که بدان متعلق است چون در این اساس تأملی به انصاف بکند، غایت جهل و نادانی این ناقل بدانند اولاً محمد چهارمختار در عهد امیر احمد عبد العزیز بود به گره بودلف بر آن روزگار که بیشتر از دو سه قرن مردم بگذشتند و او محمد بن ابی زینت را کجا دید و کجا بدو رسید؟ و اتفاق حضور شرط است در وضع مذهب و طریقت و نوختیان پس از عهد حسن عسکری بودند - علیهم السلام - ... و جابر جعفری در عهد جعفر صادق - علیه السلام - بود ... او را به این جماعت که رسانید؟ و اینان او را کجا دریافتند ... اتفاق عقلاست که چون جماعتی به مشارکت یکدیگر کاری کنند و چیزی اندازند و مذهبی نهند باید که حضور ایشان به هم باشد و با مکاتبت و مراسلت، یکدیگر را خبر کنند (همان، ص ۲۴ و ۲۵).

^{۱۳} (۱). ... این جماعت را بدین اسلام لقب نوشتندی (همان، ص ۳۲).

سپس با اشاره به دوران برپایی سلسله های سنی و شیعی، از لقبدار بودن یکسان همه امیران این سلسله ها یاد کرده است.^{۱۴} و سپس در مبحث القاب علمی می کوشد تا پیش گامی علمای شیعه بر اهل سنت را اثبات کند.^{۱۵} پیدایش القاب سیاسی، فرع بر پیدایش دولت و نهادهای سیاسی است چنان که پیدایش القاب علمی نیز فرع بر پیدایش مدارس و نهادهای علمی و ملزومات آن است و هر دو از مصادیق شکوفایی تمدنی به حساب می آیند.

ص: ۱۴

۴. داشتن جلسات ویژه مناظره علمی

مؤلف بعض فضائح الروافض، سپس با ادعایی تازه، شیعیان را از جلسات مناظره علمی مطرود، داشته است.^{۱۶} سده های دوم تا ششم هجری در تاریخ اسلام، پُر از جلسات مناظره علمی بوده و فرقه ها با گرایش های گوناگون در آن شرکت می کرده و همین موضوع، خود یکی از عمده عوامل شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است.

مطرود بودن یک گروه خاص، حکایت از ناپذیرفته بودن اندیشه آن گروه در جمع گروه های دیگر شکل گرفته در جهان اسلام تلقی می شده است. عبد الجلیل قزوینی در پاسخ به این ادعا به این واقعیت تمدنی اشاره دارد که وجود مذهب و اندیشه های گوناگون در جهان اسلام، امری پذیرفته شده است.^{۱۷} و بالطبع، شیعه هم جزء مذاهب است که می تواند مجالس مناظره برگزار کند و در مجالس دیگران هم شرکت نماید.

۵. ساخت و ساز نهادهای علمی شیعه در عهد سلجوقیان

مؤلف بعض فضائح الروافض در ادعای دیگر خود اعلام کرده که در روزگار سلجوقیان، ساخت نهادهای علمی به شیعیان داده نشد.^{۱۸} گویا مؤلف می خواهد با بیان این ادعا، تحقیر و بی ارزش بودن جامعه شیعیان را در دولت سلجوقیان سنی مذهب نشان دهد و علت این ممانعت را مثلاً بی مبنایی مکتب شیعه به طور پنهان نتیجه بگیرد؛ اما عبد الجلیل قزوینی، زیرکانه با ارائه نمونه هایی از موارد ساخت و ساز نهادهای علمی از سوی سلاطین سنی مذهب سلجوقی، ادعای مؤلف را باطل کرده است. عبد الجلیل، ضمن اشاره کلی به وجود مدارس و موقوفات آنها در برخی شهرهای ایران و شام و

ص: ۱۵

^{۱۴} (۲). ... عجب آید از عاقلی که دعوی علم تواریخ کند اولاً در آن عهد پیشین که لقب عادت نبود، خود هیچ کس را نوشتندی چه سنی چه شیعی، چون ابتدا رفت و قاعده افتاد اگر ملوک غزنین را القابی بود چون غیاث و مغیث، ملوک دیالم را که شیعی بودند، القاب سابق بود چون عضد و رکن و سیف الدوله و مانند آن و در تواریخ و کتب و اشعار شعرای عرب و عجم، مذکورتر از آن است که بتوان آن را انکار کرد (همان، ص ۳۲).

^{۱۵} (۳). ... چون هیچ دستار بندی را هنوز لقب نبود، ابو القاسم عیاد را که شیعه علم بود، صاحب کانی نوشتندی و بعد از وی لقب صاحب، وزرا را به طفیل افتاد و چون حسن علی اسحاق را نظام الملک نوشتندی در زیرش ابو الفضل تراستانی را مجدالدوله نوشتندی و در آن عهد پیشین خلفا را مقتدر و مستظفر و مکتفی نوشتند آنچه شیعه را به اتفاق ائمه باقر و صادق و رضا خواندند و در آن هنگام که بویکر باقلاقی را لقب نبود محمد نعمانی حارثی را شیخ المفید خواندندی و مرتضای بغداد را به اتفاق علم الهدی و سید اجل خواندندی و در آخر اگر استاد ابو مسلم را ثقه الملک نوشتند، سید مرتضای قم را ذو الفخرین نوشتند و ... (همان جا).

^{۱۶} (۱). ... در مجالس مناظرات شیعه را تمکین نکردندی (همان، ص ۳۳).

^{۱۷} (۲). ... دور نباشد که مذاهب شیعه بخشیده شده است و مجالس هر يك پیداست و هر طایفه به جای خود گویند اگر حنفی را مخفی باشد که شافعی مذهبی را آن جا تمکین نکنند یا در محفل شافعیان حنفی را گوش ندارند، نقصان مذهب و اعتقاد نکند (همان، ص ۳۳).

^{۱۸} (۳). ... به روزگار سلطان ملک شاه و سلطان محمد - قدس الله روحهما - نگذاشتند که اینان مدرسه و خانقاسازند (همان، ص ۳۴).

عراق،^{۱۹} به تفصیل از شهر ری یاد کرده و نقش سلاطین سلجوقی را در بنیان گذاری^{۲۰} و یا تعمیر^{۲۱} مدارس و نیز خانقاه‌های شیعی^{۲۲} را به همراه آداب و رسوم موجود و نیز برپایی آموزش‌های علوم دینی در آنها را یاد کرده است.^{۲۳}

جالب آن که عبد الجلیل قزوینی در نقل این شواهد توانسته است اصل تساهل و تسامح را نسبت به شیعیان و سادات از سوی دولت سلجوقی نمایان سازد و یکی از علل مهم شکوفایی تمدن اسلامی را آشکار نماید؛ چرا که با وجود جهتگیری مذهبی سلجوقیان به نفع اکثریت اهل سنت، اما آنها رعایت اقلیت شیعه امامیه را کرده و توانسته‌اند اصل رقابت علمی در درون تمدن اسلامی را در حکومت خود، شاداب نگه دارند.

هم‌چنین او توانسته غیرمستقیم علم‌جویی و علم‌دوستی و وجود عالمان و استادان

ص: ۱۶

و متعلمان شیعی را چنان مهم نشان دهد که سلاطین سلجوقی سنی نتوانسته اند آنها را نادیده بگیرند، بویژه که سلاطین سلجوقی، به عقیده اکثریت وابسته بودند.^{۲۴}

۶. تدوین کتاب

از دیگر مدعیات مؤلف بعض فضائح الروافض، آن است که شیعیان فقه ندارند.^{۲۵} عبد الجلیل از راه اثبات کتاب‌های فقه و وجود کتاب‌خانه‌های فراوان در نزد عالمان شیعه، این ادعا را نقض کرده است. او کتاب‌های معروف‌تر و متداول‌تر در نزد علمای شیعه را شمرده است^{۲۶} و بسیار طبیعی است که اگر در میان گروهی کتاب و کتابخانه باشد، بویژه در فقه، چگونه می‌شود که دانش فقه وجود نداشته باشد؟!

^{۱۹} (1) ... اگر به تحصیل و تعدیل مدارس سادات مشغول شویم در بلاد خراسان و حدود مازندران و شهرهای شام از حلب و هرات و از بلاد عراق چون قم و کاشان و آبه که مدارس چند است و کی بوده است و اوقاف چند دارد طومارات کتب خواهد شد (همان، ص 34).

^{۲۰} (2) ... اوّلًا مدرسه بزرگ سید تاج‌الدین محمد کیسکی ... نه در عهد طغرل بزرگ - سقا الله رحمته - کردند؟ و در آن جا مدرسه شمس الاسلام حسکا بایویه ... نه در عهد دولت این دو سلطان کردند؟ دگر مدرسه‌ای میان این دو مدرسه متعلق به سادات ... نه هم در عهد سلطان محمد فرمودند؟ و مدرسه‌ای به دروازه آهنین ... در آن عهد دولت سلطان ملکشاهی کردند و مدرسه فقیه علی جاسپی به کوی اصفهانیان ... نه در عهد سلطان سعید ملکشاه فرمودند؟ و مدرسه خواجه عبد الجبار مفید ... نه در عهد مبارک ملکشاهی در روزگار برکیارک کردند؟ ... مدرسه کوی فیروز نه در عهد این سلاطین بنیاد کردند (همان، ص 35).

^{۲۱} (3) ... خواجه امام ابو اسماعیل حمدانی به اصفهان رفت پیش سلطان محمد و ... مدرسه‌اش در فتنه خراب کرده بفرمود تا عمارتش کردند و کرسی نهادند و او با سر قاعده و رسم خود رفت و این مدرسه، هنوز معمور مشهور است (همان، ص 26).

^{۲۲} (4) ... و خانقاه امیر اقبالی نه در عهد کریم غیاثی کردند؟ و خانقاه علی عثمان ... نه در عهد سلطان ملکشاه فرمودند و هنوز معمور مشهور است ...؟ (ص 36).

^{۲۳} (5) ... مثلاً ... قرب نود سال است که در آن جا ختمات قرآن و نماز به جماعت هر روز پنج بار، و مجلس وعظ هر يك هفته دوبار و يك بار، و در این مدرسه موضع مناظره و نزول مصلحان در آن جا که مجاوران اند از اهل علم و زهد و سادات و فقه‌های غریب که رسند و باشند ... (همان جا).

^{۲۴} (1) ... این گفته منع کردند از مدرسه و مسجد حاشا عنهم صلاحتم فی اعتقادهم (همان، ص 37).

^{۲۵} (2) ... رافضیان را درس فقه و شریعت نباشد (همان، ص 38).

^{۲۶} (3) ... چون مقنعه و عویص و فرائض و م صباح مرتضی و شرایع علی حسینان و من لایحضره الفقیه و کتاب علل الشرایع و عمل یوم و لیل و هدایته المسترشد و المراسم العلویه فی الاحکام النبویه و الجمل و العقود و کتاب المغنی فی الفقه به دو جلد و کتاب فقه القرآن به دو جلد و مناسک الزیارات و لثاب عروض العدوی و کتاب وفاق العامه و الخاصه و کتاب المذهب ابن البراج و کتاب المتمسک بجبل آل محمد (همان، ص 38).

این استدلال عبد الجلیل، بسیار عالی است. او هم می‌تواند رواج دانش فقه را در میان شیعیان اثبات کند و هم پختگی آنها را در این دانش، پیش چشم ما نهد، بدان اندازه که توانسته اند در دانش فقه، کتاب تهوین کنند و تولید کتاب از مهم ترین مظاهر نقش‌آفرینی در یک تمدن است.

۷. کرسی تدریس و تربیت شاگرد

مؤلف بعض فضائح الروافض، امر تدریس علوم را در میان شیعیان مرسوم نمی‌داند.^{۲۷} عبد الجلیل این ادعا را نیز برنناخته و کرسی‌های تدریس استادان بزرگ شیعه را از سده های پیش از خود تا روزگار خویش نام برده است^{۲۸} و ضمن نشان دادن تداوم

ص: ۱۷

کرسی‌های تدریس در میان شیعه، اهتمام آنها را به امر آموزش علوم به صورت یک پدیده ریشه دار نشان می‌دهد و با اشاره به تربیت شاگردان فراوان در این مجالس درسی نیز هم آمار کمی دانش پژوهان شیعی را بیان کرده و هم با بیان القاب آنها از کیفیت علمی ایشان نیز سخن گفته و توانسته، سهم مهم شیعیان را در یکی از مظاهر تمدن سازی، یعنی تولید علم و دانش، آشکار سازد.

ب. واقع‌نگری

یکی از مظاهر مهم رونق تمدن، واقع‌نگری است که می‌تواند در خلق فرصت‌ها و نابودی تهدیدها نقش مهمی داشته باشد.

آن جا که مؤلف بعض فضائح الروافض کوشیده تا عملکرد تند سلجوقیان را در مقطعی بر ضد شیعیان، رنگ و بوی مذهبی ببخشد،^{۲۹} عبد الجلیل رازی، اصل این برخوردهای تند را رد نمی‌کند؛ اما آن را در چارچوب منطق حفظ قدرت سیاسی توجیه می‌کند که همه دولت‌ها فارغ از عقاید مذهبی خود، گاه گاهی به دلایلی هم چون ترس و بدگویی‌ها بدان دست می‌یازند. سپس با یک استقصای تاریخی، از عملکرد بعضی از دولت‌های سنی و شیعه، نمونه‌هایی را ذکر کرده است.^{۳۰} چنین دیدگاهی، فراتر از یک دیدگاه کلامی است و به رؤیتی نقدنگر می‌ماند

^{۲۷} (4). ... ایشان را درسی نباشد (همان، ص 39).

^{۲۸} (5). ... مرتضی بغداد ... در عهد خلفا بنی عباس مدرس بود (همان، ص 39). شیخ مفید پیش از او مناظرات رفیع‌کره و تصنیفات کرده ... فضل و بزرگی شیخ کبیر بوجعفر بابویه ... از تصانیف و وعظ و درس از ری تا بلاد ترکستان و ایلاق اثر علم آشکار ... نوبختیان و محمد بن شاذان که فضل ایشان در جهان ظاهر است و ذو الفخرین مرتضی قمی که از تصانیف و خطب او سرمایه است و ... از متأخران هم خواجه بوجعفر دوریسی و ابو الفرج همدانی و ... و غیر اینان از متقدمان و متأخران که به ذکر همه کتاب مطول شدند که مدرّس و متکلم و فقیه و عالم و مفسر بودند (همان، ص 41).

^{۲۹} (1). ... در روزگار سلطان سعید ملک‌شاه در ری چه استخفاف‌ها رفت بر رافضیان همه را بر منبرها بردند که همان بیابوریدر (همان، ص 41).

^{۳۰} (2). ... جنس این [رفتارها] دلالت بر نقصان و بطلان مذهب نباشد و چون جماعتی خصمان سعاپی کنند پیش سلطان واحد در آن حرکتی کند در همه شهرها در عهد سلاطین مانند این رفتار باشد چنان که در عهد ملوک دیالم به ری با مالکیان و علمای مجتازان رفت و چنان که در اصفهان در عهد محمودی با مشتهان رفت و به همدان در عهد سلطان مسعود و به ری در عهد قشقر و امیرعباس که اصحاب بوحنیفه را به محفل پادشاه حاضر کردند به کرات ... در عهد دولت دیلمان که ایشان امامتی بودند با علای دیگر طوایف مانند این کردند و این هیچ دلالت بر بطلان مذهب نباشد ... اگر طایفه‌ای را از قتل و نهب و صلب بطلان مذهب مگر نباشد و نه به جهت اعتقاد محض بوده باشد، بلکه به جهت تقریر سلطنت و قاعده ملک باشد ... نهب و قتل و صلب از کشتن سادات کبار و علمای بزرگ و مفتیان و قاضیان چون سید اجل بلخ

که واقعیت‌ها را نادیده نمی‌انگارد؛ اما می‌کوشد ماهیت عمل را از ورای ظاهر غلطانداز آن درک کند و ضمن ایجاد فرصت برای گروه خود در نزد نظام سیاسی حاکم، زمینه ارتباطات بیشتر را فراهم آورد و امکان بهره‌برداری‌های تعصب‌آلود و مذهبی را از رقیب اکثریتی خود بگیرد.

ج. همراهی با فرهنگ و تمدن اسلامی در شهرهای شیعه‌نشین

مؤلف بعض فضاء الروافض، در یکی از دعاوی خود کوشید تا بی‌رونتی آداب و رسوم دینی را در میان شیعیان ادعا کند. او حتی نام بعضی از شهرهای ایران را هم ذکر کرده که شیعه‌نشین اند و فرهنگ اسلامی در آنها رونق ندارد.^{۳۱} عبد الجلیل رازی، این ادعا را بهانه قرار داده و به تک‌تک شهرهایی که مدعی اشاره کرده است پرداخته و در پایان توانسته رونق و شکوه فرهنگ و تمدن اسلامی را میان مردمان شیعی این شهرها اثبات کند. آنچه از مصادیق فرهنگ و تمدن اسلامی در این باره یاد کرده، عبارت‌اند از:

۱. نام مناطق جغرافیایی

فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در خلأ شکل نمی‌گیرند؛ علاوه بر وجود گروه یا مردم، نیازمند جغرافیا هم هستند. عبد الجلیل به همان شهرها که مؤلف اشاره کرده، پرداخته است:

قم،^{۳۲} کاشان،^{۳۳} آبه،^{۳۴} ورامین،^{۳۵} ساری و ارم،^{۳۶} سبزوار^{۳۷} و پویایی و پایایی فرهنگ و تمدن اسلامی در این شهرها را از طریق آثار نشان داده است. او از این آثار، به شکل زیر یاد کرده است:

جوامع: در تاریخ اسلام، مساجد، یکی از معتبرترین جلوه‌گاه فرهنگ و تمدن اسلامی بوده‌اند و توانسته‌اند توان هنرمندان و معماران مسلمان را جلوه‌گر سازند.

مساجد دو نوع بوده‌اند: مساجد کوچک که در محله‌ها ساخته می‌شده‌اند و مساجد جامع که در مرکز شهر و معمولاً در میان بازار مرکزی بنا می‌شدند. عبد الجلیل در این جا با ذکر دو نوع از جوامع^{۳۸} - که یکی در بیرون شهر و دیگری در

محمد بن الفقیه النیشابوری ... در اصحاب شافعی و ... الوف الوفا علما و صلحا در آن حادث [در عهد سنجر] کشته آمدند. پس اگر آنچه لشکر غزنین کردند با شیعه روی نقصان مذهب را شاید آنچه غزان کردند با اصحاب سنت هم دلالت بر بطلان باشد، بلکه همه عاقلان دانند که مثل این برای هیبت و تقریر ملک کنند (همان، ص 43).

^{۳۱} (1). ... در هیچ شهری که رافضیان آن جا غلبه دارند چون بنگری دین و شریعت را آن جا جمالی نباشد و جمع اهل رفض را بها نبود چون قم و کاشان و آبه و ورامین و ساری و ازم که قرینه الموت است ... و در ری در مصلحگاه و در خراسان و سبزوار جماعت نکند و نه شرع را قوتی باشد و نه مسجدهایشان را نور (همان، ص 191).

^{۳۲} (1). همان، ص 199.

^{۳۳} (2). همان، ص 200.

^{۳۴} (3). همان جا.

^{۳۵} (4). همان، ص 202.

^{۳۶} (5). همان جا.

^{۳۷} (6). همان جا.

درون شهر ساخته شده‌اند، اهتمام شیعیان را به برپایی یکی از مهم‌ترین مظاهر و جلوه‌گاه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی، نشان داده است.

معماری جوامع: سپس از معماری مسجدهای جامع با عبارات کوتاه اما مهم، یاد کرده است. به نقل عبد الجلیل، این مساجد جامع در شهرهای شیعی از این بخش‌ها تشکیل می‌شده‌اند:

یک. مقصوره‌های بازینت؛ دو. منبرهای متکلف؛ سه. مناره‌های رفیع.^{۳۹} این گزارش نشان می‌دهد که شیعیان، هم به حکم مسلمانی، به ساخت مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جلوه‌گاه تمدن اسلامی توجه داشته‌اند و هم به حکم عقل و

ص:۲۰

هنردوستی خود، این مساجد را زیبا ساخت. معماران شیعی، زیباترین طرح‌ها را در بنا به کار انداخته و آن را با مقصوره‌ها و مناره‌ها زینت دادند. آن‌گاه کاشی‌کاران شیعی، هنر خود را در این مقصوره‌ها به کار برده‌اند و سپس نجاران شیعی به ساخت منبرها روی آورده‌اند و منتکاران شیعی، با کندن انواع نقوش، بر چشم‌نوازی این منبرها افزوده و هنر دست خود را به نمایش گذاشته‌اند.

معماران در طراحی این مساجد جامع، هم بخش‌های ویژه عبادت و نماز و اعتکاف را در نظر گرفته‌اند که کارکردهای عادی و معمول و پذیرفته شده این مراکز بوده است و هم بخش‌های ویژه آموزش را در آن دیده‌اند. وجود فضاهایی برای قرار گرفتن کرسی تدریس علما و طبیعتاً تشکیل حلقه‌های درسی کوچک و بزرگ و نیز مکانی برای تشکیل کتاب‌خانه که عبد الجلیل با صفت ملأ، هم فضای بزرگ کتاب‌خانه را نشان داده است و هم توجه کتابداران را به گردآوری فراوان کتاب - که از آن‌ها مهم مراجعه‌کنندگان فراوان به کتاب‌خانه هم به شمار می‌آید - بیان کرده است. چنان که حتماً و عقلاً در این کتاب‌خانه‌ها مکان‌هایی برای مطالعه و قرائت کتب هم در نظر گرفته می‌شده است. با توجه به آن که مراجعه‌کنندگان همگی اهل قم نبوده‌اند و در این دوره، رحله‌های علمی هم رونق داشته است، می‌توان حدس زد که مکان‌هایی در کنار کتاب‌خانه یا مساجد جامع برای استقرار مسافران دانش‌طلب نیز در نظر گرفته شده باشد.

عبد الجلیل، با زیرکی و در قالب واژگان کوتاه، هم به توصیف جوامع و معماری بخش‌های گوناگون آن پرداخته و هم از بخش‌های دیگری چون وجود بازاری مرکزی - که این مساجد جامع در دل آنها ساخته می‌شده - خبر داده است و بالتبع جمعیت‌های انبوهی که به کسب و کار در کنار این مساجد مشغول بوده‌اند و خانه‌ها و دیگر اماکن مربوط به این جمعیت‌ها. او هم چنین این کتاب‌خانه‌ها را پر از کتاب‌های طوایف اعلام کرده تا یکی دیگر از مظاهر تمدن اسلامی، یعنی اصل تسامح و تحمل و مدارا نسبت به دیگر عقاید را در مهم‌ترین مراکز علمی شیعیان آن هم در مهم‌ترین شهر آنها نشان دهد.

ص:۲۱

۲. مدارس

^{۳۸} (7). ... از جوامع که عراقی کرده است بیرون شهر و آنچه کمال ثابت کرده است در میان ... (همان، ص 194).

^{۳۹} (8). همان، ص 195.

بخش مهم دیگری که در تاریخ اسلام از مظاهر مهم فرهنگ و تمدن اسلامی به شمار می آید، مدارس اند. مدارس، سومین نهاد آموزشی پس از مساجدند که پیدایش آنها مولود گسترش علم و رشته های علمی در میان مسلمانان بود. مدارس برخلاف مساجد، به طور عمده، مرکز آموزش های تخصصی در علوم اسلامی به شمار می آمدند و تربیت یافتگان آنها نیز جذب نظام اداری خلافت اسلامی می شدند.

عبد الجلیل، ویژگی های مدارس شیعی را چنین بیان کرده می کند:

یک. شهرت علمی: او با ذکر نام مدارس، شهرت علمی آن ها را نشان داده و هم زمان، نام بعضی از استادان را نیز که مدرسه، به نام آنها شهرت علمی یافته، ذکر کرده است.^{۴۰}

دو. معماری: او با واژه زینت و آلت نشان داده که در بنای این مدارس، هنر معماری به کار رفته و درها و سردرها و پنجره ها و دیواره های آن از هنر معماران و کاشیکاران و منبتکاران، بهره مند بوده است.^{۴۱}

سه. رونق علمی: او با استفاده از واژگان و اصلاحات علمی زیر، رونق و تنوع علمی این مدارس را یاد کرده است.

چهار. درس: این واژه، نشان دهنده برپای کرسی تدریس ثابت در این مدارس بوده است.

پنج. اوقاف: این واژه، نشان ده نده استقلال اقتصادی مدارس از یک سو و علاقه ثروتمندان شیعه به علم با وقف کردن از سوی دیگر است که خود از عوامل رونق علمی هم به حساب می آمده است.

شش. قبول اعظم: این واژه، حکایت از اعتبار و رونق این مدارس دارد که هم می تواند حجم بالای مراجعه کنندگان و تحصیل کردگان مدرسه و نیز استادان آن را

ص: ۲۲

نشان دهد و هم کیفیت بالای دروس و تدریس آن در مدرسه را که در بیرون مورد پذیرش قرار می گرفته اند.

۳. متخصصان علوم

در کنار آنچه گفته شد، عبد الجلیل از متخصصان رشته های مقبول و معروف روزگار خود در شهر قم چنین یاد کرده است:

یک. مُقریان فاخر

علم قرائت، از علوم ویژه قرآنی به شمار می آید که از آغاز نزول قرآن کریم، مورد توجه مسلمانان بوده است و می توان آن را نخستین علم اسلامی دانست که با توجه به تفاوت در قرائت بعضی از واژگان قرآنی، آرام آرام، قرائات سبعة مقبول

^{۴۰} (۱). همان جا.

^{۴۱} (۲). همان، ص ۱۹۸.

شد و یخ‌شی از دانش پژوهان مسلمان هم در روزگار بعدی، کوشش خود را صرف آموختن این دانش و تسلط بر آن می‌کردند. واژه مقریان فاخر- که عبد الجلیل از آن یاد می‌کند- نشان دهنده رونق این دانش در میان شیعیان و پیدا شدن طبقه‌ای به نام قُرّاء در میان شیعه دارد. عبد الجلیل این قاریان را به صراحت، عالم به علم قرائت های سبعة توصیف می‌کند.

دو. مفسران عالم به منزلات و مؤولات

دومین دانش اسلامی در رتبه پس از علم قرائت، علم تفسیر است. این دانش هم از همان دوران پیامبر صلی الله علیه و آله آرام آرام مورد توجه قرار گرفت و بعضی از صحا به هم‌چون امام علی علیه السلام و عبد الله بن عباس بدان شهرت یافتند. عبد الجلیل با زیرکی ویژه خود در کوتاه‌ترین واژگان، هم میزان توجه شیعیان را به قرآن با اخبار از وجود طبقه مفسران در میان آنها نشان داده است و هم با آوردن واژه منزلات، دانش این مفسران به علم اسباب نزول را- که از مهم‌ترین دانش‌های وابسته به علم تفسیر است و مفسران اهل سنت در آن مهارت داشته‌اند- در میان شیعیان مفسر، یادآور شده است. وی سپس با واژه مؤولات، از علم التأویل- که از دانش‌های اختصاصی رایج در میان شیعیان بوده-

ص: ۲۳

نیز یاد کرده و جامعیت مفسران شیعه را به رخ کشیده و سهم آنها را در رونق علوم قرآنی، تبیین کرده است.

سه. ائمه نحو، لغت و اعراب و تصریف

ادبیات عرب با همه شاخه‌های منشعب شده از آن، از دیگر علوم نخستین اسلامی است که در اوایل سده دوم چنان اوج گرفت که در درون خود به مکتب‌های متفاوت تبدیل شد. بدون تردید، تسلط به ادبیات و شاخه‌های گوناگون آن از اصول پایه‌ای و اساسی حضور مقبول علمی در جهان اسلام بوده است. عبد الجلیل با واژه ائمه، از پیشوایان ادبی شیعه در قم یاد کرده و با بیان واژگان تخصصی نحو، لغت، اعراب و تصریف نیز تخصص‌های شیعیان در شاخه‌های گوناگون ادبیات عرب را نشان داده و توجه جامعه علمی شیعیان را به علوم پایه در تمدن اسلامی، روشن ساخته است.

چهار. شعرای بزرگ

شعر از شاخه‌های شاخص ادبیات هر زبانی به شمار می‌آید. به ویژه در گذشته که از رسانه‌های مهم تبلیغی هم به شمار می‌آمده است. عبد الجلیل با این واژه، ذوق لطیف شیعیان را نیز در سرودن شعر نشان داده است. وجود این طبقه در میان شیعیان نیز خود حکایت از یکی از ابعاد قوام یافته فرهنگ و تمدن اسلامی در میان آنهاست.

بدون تردید این شاعران، دارای دیوان‌های شعر نیز بوده‌اند و جنگ‌ها و دفترها و دیوان‌های شعر، از جمله عوامل مهم رونق تخصص‌هایی چون جلدسازی، کتاب‌سازی و صفحه‌آرایی به شمار می‌روند.

پنج. فقها

فقه نیز از مهم ترین دانش های پیدا شده در تمدن اسلامی است که بنیاد بسیاری از نگرش ها و دانش های دیگر را فراهم کرده است. وزن اجتماعی هریک از جمعیت ها و گروه ها و فرقه ها از طریق دانش فقه و فقیهان آنها ارزیابی شده است؛ چرا که وجود فقها می توانسته اندیشه پیچیده در تعاملات گوناگون فردی و اجتماعی را در قالب

ص: ۲۴

یک دانش نشان دهد و فقها می توانسته اند فضاها و فرصت های تازه علمی را از طریق تعامل با فقه های مذاهب رقیب و نیز دولت های حاکم برای دیگر دانش ها و دانشوران قوم خود فراهم کنند . فقها می توانستند با تنظیم روابط حقوقی درون گروهی و برون گروهی، به هویت جمعی فرقه و گروه خود نیز کمک شایان نمایند.

عبد الجلیل با واژه و اص طلاح «فقها» از این طبقه شناخته شده یاد کرده و نشان می دهد که چگونه شیعیان در طراز معروف فرهنگ و تمدن اسلامی روزگار مؤلف، از توجه به رشته های علمی مهم و معروف و مقبول زمانه غافل نبوده اند.

به ویژه که عبد الجلیل با عبارت «از اسلاف به اخلاف رسیده» تداوم کرسی فقه و فقاها و تربیت فقیهان را یادآور شده است که ریشه ها را در تفکر علمی شیعه بیان می کند.

شش. متکلمان

از دیگر علوم قوام یافته در میان فرقه های اسلامی و غنابخش به کیفیت فرهنگ و تمدن اسلامی، علم کلام است که اولاً بر پایه عقل و خرد استوار است؛ ثانیاً قدرت استدلال را بالا می برد؛ ثالثاً جنبه چالشی دارد و می تواند رقابت ایجاد کند؛ رابعاً در تاریخ اسلام، مجالس مناظره را برپا کرده است که خود از مکان های مولد علوم به شمار می آید؛ خامساً علوم دیگری چون منطق، فلسفه، تاریخ، فقه و حدیث را نیز به کار گرفته و به پرورش آنها نیز کمک کرده است؛ سادساً : به شکل گیری هویت فردی و جمعی گروه ها و فرقه ها نیز کمک شایان کرده است. در نتیجه، توانسته بزرگ ترین انگیزه های علمی را در تمدن اسلامی فراهم آورد. نمونه آن هم همین متن نقض است که حکایتگر همین انگیزه است.

عبد الجلیل، توجه شیعه به علم کلام و تربیت گروهی به نام متکلم را نشان می دهد و همانند فقه، این دانش را مداوم از گذشته تا زمان خویش بیان می کند.

ص: ۲۵

فرهنگ و تمدن اسلامی شیعیان قم

عبد الجلیل با دقت، به بخش مهم دیگری از جلوه های فرهنگ اسلامی اشاره کرده و آن، وج ود آداب و رسوم شناخته شده در فرهنگ اسلامی است که چگونه در میان شیعیان قوام یافته است . او با زیرکی، دو گونه آداب و رسوم در میان شیعیان را با عباراتی کوتاه شرح داده است:

الف. آداب و رسوم رایج میان شیعیان به عنوان یک مسلمان

مسلمان هرکجا که باشد و هر گرایش مذهبی‌ای که داشته باشد، در بعضی از آداب و رسوم مذهبی، با دیگر مسلمانان شریک است و نمی‌تواند از آنها جدا باشد.

عبد الجلیل، نخست این بخش از آداب و رسوم اسلامی را در میان شیعیان، با واژگان زیر وصف می‌کند:

۱. زُهَاد متعَبَّد

زهد و عبادت با توجّه به آموزه های اسلامی و فرهنگ قرآنی و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله همواره روشی شناخته شده در میان گروهی از مسلمانان بوده است؛ کسانی که در گذر زمان در زهد و عبادت سرآمده شده و همواره الهام بخش دیگران شده‌اند. همانند «زُهَاد ثمانیه» فرهنگ تشیع نیز با زهد و تعبد امامان بزرگ خود، با این دو مفهوم و رسم، نضج گرفته و همراه بوده است. عبد الجلیل با یادکرد زُهَاد متعَبَّد نشان می‌دهد که چگونه این بخش از فرهنگ اسلامی در جامعه شیعه، شناخته شده و افرادی با این عنوان معروف بوده‌اند.

۲. حاجیان بی مَر (بی شمار)

حج نیز از اجزای مهم فرهنگ اسلامی است که از همان آغاز، مورد توجّه مسلمانان بوده و خود یکی از نشانه های پایبندی به اسلام به شمار آمده است. عبد الجلیل با یادکرد از حاجیان نشان می‌دهد که شیعیان مسلمان، برخلاف تبلیغات سوء، چگونه به حج اعتقاد داشته و این عمل عبادی را گرامی داشته‌اند.

ص: ۲۶

۳. روزه‌داران سه ماهه و ایام شریفه

سنت روزه نیز از دیگر فرایض مهم اسلامی است که هر مسلمان به انجام دادن آن شناخته می‌شود. عبد الجلیل با عبارت انتخابی خود نشان می‌دهد که شیعیان، نه تنها هم چون مسلمانان دیگر به روزه واجب در رمضان پایبندند، بلکه سنت روزه‌های مستحبی را در دوماه مانده به رمضان (یعنی رجب و شعبان) نیز و دیگر روزهای مبارک (ایام شریفه) به جای می‌آورند و چنان که گروهی از آنها به انجام این عبادات شهره‌اند.

۴. نمازگزاران به شب

نماز شب نیز از دیگر سنن استحبابی معروف در میان مسلمانان و معمول در میان اهل عبادت بوده است. این که عبد الجلیل از نمازگزاران نمازهای واجب یاد نکرده و از نمازگزاران نافله شب یاد می‌کند، درصدد نشان دادن تعبد شیعیان به آداب و خاص و گاه دشواری چون نماز شب بوده تا خواننده او، خود درک کند که شیعیان به خواندن نمازهای واجب عمومی و مرسوم چه اندازه پایبند بوده‌اند.

۵. اهل بیوتات

این طبقه که از سادات و وابستگان به اهل بیت علیهم السلام بوده اند و مهاجرت آنها به شهرهای گوناگون از جمله قم به فراوانی رخ داده است، چهره معنوی فوق العاده‌ای به این شهر بخشیده‌اند. عبد الجلیل با ذکر واژه بیوتات، از تداوم نسل سادات در قم و نیز اعتبار و عزت ایشان در میان مردم، می‌خواهد از تداوم معنویت در میان مردم و نیز علاقه ویژه آنها به سادات خاندان رسالت پرده برداشته و این را دلیل دیگری بر رونق فرهنگ اسلامی در شهر شیعه‌نشین قم قرار دهد.

۶. عبادت سحرگاهی

در این عبارت نیز عبد الجلیل زیرکی از خود نشان داده است. از حضور فرهنگ اسلامی به صورت یک رسم پیاپی در سحرگاهان - که یکی از زمان‌های معمول خوابیدن برای مردمان هر شهر است - در قم یاد کرده و با این عبارت دقیق، هم عمق و

ص: ۲۷

ژرفای ایمان مردم به دین را نشان داده و هم حضور و رونق فرهنگ اسلامی را در عرفانی ترین زمان‌های شبانه‌روز در زندگی آنها اثبات می‌کند. عبد الجلیل با این دقت، رونق فرهنگ اسلامی در زندگی روزانه مردم را به قضاوت خواننده‌اش وامی‌گذارد تا او خود استنتاج کند که مردمانی که شبانگاهان از خواب خود می‌گذرند و به عبادت برمی‌خیزند، در روز روشن و حال بیداری به چه اندازه متعبد و ذاکر خداوندند؟!

۷. ختم روزانه قرآن

عبد الجلیل، دگر بار زیرکی خود را نشان داده و از انجام دادن یک عمل مستحبی به صورت یک رسم پایدار و معروف میان شیعیان شهر یاد کرده است. فراگیری این رسم را با بیان مکان‌های انجام آن در مسجدهای بزرگ و کوچک و مدرسه‌های معروف و خانه‌های افراد مشهور نشان می‌دهد.

۸. پرداخت وجوهات شرعی

در این فقره نیز عبد الجلیل با بیان پرداخت وجوهات شرعی همانند انواع زکات و خمس و صدقه، با قید کسب شده از راه حلال، پیروی شیعیان قم از احکام شریعت را نشان می‌دهد. او این پرداخت‌ها را فراوان اعلام کرده و با ذکر دقیق انواع آنها، حاکمیت فرهنگ مالی اسلامی را نیز در میان شیعیان، بیان کرده است.

۹. متصدیان دریافت مالیات‌های شرعی

عبد الجلیل از وجود یک منصب مالیاتی با عنوان امینان و متدینان یاد کرده و نظام اداری مالیات‌های شرعی را در میان جامعه شیعیان، یادآور می‌شود. او نشان می‌دهد که در این جامعه، جدایی از فرهنگ اسلامی وجود ندارد. هم پرداخت‌های شرعی وجود دارد هم متصدیان امین و متدین که نظارت دقیق بر چرخش این اموال دارند. این موضوع، یکی از نمادهای تمدنی در میان شیعیانی است که بدون وابستگی به نظام اداری اکثریت، خود اقدام به ایجاد ساختار خصوصی اداری ویژه مالیات‌های شرعی کرده‌اند.

نظام حسبه، یکی از بخش‌های مهم اداره اجتماعی در تاریخ اسلام بوده است که گاه نهادی مستقل بوده و گاه وابسته به نهاد قضا عمل می‌کرده است. عبد الجلیل از وجود نظام حسبه در شهر شیعی قم یاد کرده و برخورداری آن را از نهادهای تمدنی نشان داده است. سپس با ذکر دو ویژگی تخصّص و برخورداری از نسب عالی محتسب، حال او را در هنگام انجام دادن مأموریت‌های خود در میان مردم بیان کرده و آن گاه مسئولیت‌های او را به شرح زیر توضیح داده است:

اول: نهی از منکر؛ دوم: نظارت بر برپایی منظم و مقررّ جلسات تدریس، مناظره، مجلس وعظ و حلقه ذکر.^{۴۲} جالب آن که در ضمن بیان این مسئولیت ها، عبد الجلیل، ذهن خواننده متن خود را به کار گرفته و توانسته برای او بازارهای شلوغی که محتسب در آنها راه می‌رفته و بر قیمت کالاها نظارت نموده و با متخلّفان برخورد قاطع داشته، ترسیم نماید و نیز جلسات درس مدرّسان گوناگون، مجالس مناظره علما و محافل خطبا و حلقه‌های ذکر صوفیان را پیش چشم او آورد و با اعلام مسئولیت محتسب در نظارت بر زمان و مکان این مجموعه‌های علمی، وجود آنها را نیز اثبات کرده و از نظم حاکم بر برپایی این محافل یاد نماید که رشد تمدنی شهر را نشان می‌دهد.

ب. فرهنگ و تمدن اسلامی ویژه شیعیان

۱. بنای زیارتگاه

شیعیان به خاطر عشق و علاقه شدیدی که به خاندان رسالت داشته‌اند، کوشیده‌اند در هر کجا یاد آنها را زنده نگه دارند. یکی از راه‌های رسیدن به این مهم، بنای مزار بر محلّ دفن سادات اهل بیت علیهم السلام بوده است. بناها علاوه بر رونق فرهنگ اسلامی، چون:

برگزاری مراسم عبادت و دعا و اعتکاف و ختم قرآن، مایه رونق تمدن اسلامی نیز

می‌شوند؛ چرا که عامل پیدایش معماری اسلامی در اشکال گوناگونی چون مناره‌ها، صحن‌ها، رواق‌ها، مقصوره‌ها و انواع هنرهای ظریف همانند کاشیکاری، آینه‌کاری، منبتکاری و فلزکاری می‌شده‌اند. عبد الجلیل به مزار حضرت معصومه علیها السلام و برکت آن و نیز به مشهد امامزاده علی بن محمد الباقر در نزدیکی کاشان هم اشاره کرده است.^{۴۳}

۲. مراسم شیعی

عبد الجلیل سپس در هنگام وصف رونق فرهنگ اسلامی در شهر آبه، از مراسم ویژه شیعیان هم یاد کرده است که عبارت‌اند از: الف. غدیر خم؛ ب. شب قدر؛ ج. عاشورا؛ د. برات.

^{۴۲} (۱). همان، ص ۱۹۵-۱۹۶.

^{۴۳} (۱). همان، ص ۱۹۶ و ۱۹۸.

این چهار مراسم، از نخستین مراسم مهم جوامع شیعی بوده اند که علاوه بر مراسم عمومی در فرهنگ اسلامی از سوی شیعیان مورد توجه قرار گرفته‌اند و آرام آرام، یکی از وجوه متمایز شهرهای شیعه‌نشین از دیگر شهرها شده‌اند.^{۴۴}

۳. ارسال تجهیزات مورد نیاز قبور امامان علیهم السلام

از دیگر ویژگی‌های شیعیان، ارسال تجهیزات مورد نیاز مزار امامان علیهم السلام مثلاً در بقیع و دیگر نقاط است که به جهت حفظ رونق و آبادانی آنها حتماً از سوی شیعیان انجام می‌شده است و عبد الجلیل، به این اقدام در هنگام یادکرد از شهر شیعه‌نشین ورامین، اشاره کرده است.

۴. اطعام عمومی مسلمانان از سوی شیعیان

از دیگر ویژگی‌های آداب و سنن شیعیان، سفره‌های عمومی افطاری در ماه رمضان هر سال بوده که همه مسلمانان یک شهر، با هر مذهبی می‌توانستند بر سر آن بنشینند و این رسم، چنان انسان‌دوستانه بوده که میهمانان، قابل شناسایی از یکدیگر هم نبودند.

عبد الجلیل به این رسم هم در هنگام وصف ورامین اشاره کرده است.^{۴۵}

ص: ۳۰

۵. اذان ویژه

از دیگر موضوعاتی که جوامع شیعی را از اهل سنت جدا می‌ساخته، سنت اذان‌گویی شیعیان بوده است که با جمله «حیّ علی خیر العمل» که از سوی خلیفه دوم حذف شده و به جای آن جمله «الصلاة خیر من النوم» افزوده شد، استقلال مذهبی خود را نشان می‌داده‌اند. عبد الجلیل نیز این را ویژگی شیعیان دانسته و در هنگام وصف شهر ساری، از آن یاد کرده است.^{۴۶}

۶. منزلت عقل در خداشناسی

عبد الجلیل که شیعه امامیه اصولی را از اخباریان و اهل غلو و مشبهه و ملاحده باطنی جدا می‌داند^{۴۷} و بسیاری از اشکالات وارد شده به شیعه را به عقاید آنها برمی‌گرداند، یکی دیگر از تمایزات شیعه در فرهنگ اسلامی را «وجوب

^{۴۴} (۲). همان، ص ۱۹۹.

^{۴۵} (۳). همان، ص ۲۰۰.

^{۴۶} (۱). همان، ص ۲۰۱.

^{۴۷} (۲). ... مؤلف حوالاتی و اشاراتی به متقدمان امامیه اصولیه کرده که پُری از آن مذهب غلات و اخباریه وحشویه است و نفی و تبرّ از آن در کتب اصولیان اثنی عشریه ظاهر است (همان، ص ۳).

معرفت خداوند به عقل و نظر « ذکر کرده است و تقلید و تعلیم در این باره را از ویژگی های اسماعیلیه می داند. وی با همین معیار هم مردمان ساری را از ساکنان قلعه الموت جدا کرده است.^{۴۸}

۷. دشمنی با ملاحده و باطنی ها

عبد الجلیل هم چنین در وصف شهر سبزوار، به عنوان یک شهر شیعه نشین، بخشی از فرهنگ اسلامی آنها را مخالفت با ملاحده و خصومت با بواطنه ذکر کرده است^{۴۹} و به این ترتیب، صف امامیه اصولی را از دیگر فرق شیعی، از جمله اسماعیلیه (مشهور به بواطنه) جدا می سازد.

ص: ۳۱

تصویرسازی تاریخی از حضور فرهنگی - تمدنی شیعیان تا عصر مؤلف

آن گاه که مؤلف بعض فضاء الروافض، شیعه را به باد این انتقاد گرفته که هرگز نام و نشانی در میان مسلمانان نداشته اند، عبد الجلیل،^{۵۰} وارد دفاع از هویت جوامع شیعی شده و ضمن اثبات تداوم تاریخی اندیشه تشیع از آغاز عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و عدم انقطاع تاریخی این اندیشه، به یاد کرد طبقات گوناگون اصناف - که در جوامع شیعی پیدا شده و در جهان اسلام، شهرت فراوان داشته اند - پرداخته است. او با نقل این شواهد تاریخی، نشان می دهد که اوّل این شخصیت ها سرآمدان شیعیان در رشته های گوناگون در دوران های مختلف بوده اند؛ ثانیاً شهرت آنها به دلیل نقش بزرگی است که علاوه بر جوامع شیعه در سطح کلان جهان اسلام و در پی آن، در فرهنگ و تمدن اسلامی داشته اند. طبقات شیعیان مشهوری که او از آغاز اسلام یاد کرده، عبارت اند از:

الف. شیعیان صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله

او در این باره، نام یازده صحابی بزرگ رسول صلی الله علیه و آله را از باب نمونه ذکر کرده که به داشتن عقاید شیعی مشهور بوده اند.

ب. شیعیان عهد خلافت علی علیه السلام

او در این مقطع نیز نام چهارده تن از شیعیان امیر مؤمنان علی علیه السلام را در عهد خلافت ایشان نام برده است که بعضی از آنها صحابیان مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بوده اند.^{۵۱}

ج. شیعیان امامان علیهم السلام تا پایان عصر امامت

^{۴۸} (3). ... و چه نیکوتر است که قرینه الموت آن جا اولی تر باشد که اهل آن وجوب معرفت خدای را حواله به تقلید و تعلیم کنند و اهل مساوی و ازّ وجوب معرفت را حواله به عقل و نظر کنند (همان، ص 201).

^{۴۹} (4). ... و لعنت ملاحده و خصومت بواطنه در آن بقعه آشکارا (همان، ص 202).

^{۵۰} (1). ... آنکه گفته شده است که در جهان، هرگز رافضی نبوده است که او را در دین و دولت، قدری یا قدمی یا جاهی یا منزلتی یا حرمتی یا نامی بوده است (همان، ص 203).

^{۵۱} (2). همان، ص 208.

او از: دو قبیله، شهدای کربلا، پنج تن از شخصیت های مهم تا پایان دوران امامت امام حسین علیه السلام و نیز چهارده تن از راویان پُر اعتبار دیگر امامان شیعه علیهم السلام تا پایان عصر حضور، به عنوان نمونه یاد کرده است.^{۵۲}

ص: ۳۲

د. عصر غیبت کبرا

عبد الجلیل در عصر غیبت کبرا (سده چهارم هجری) از طبقات عالمان شیعه، با نام‌های زیر یاد کرده است:

۱. خاندان‌های علمی: خاندان‌هایی که او یاد کرده، عبارت اند از: «خاندان نوبختی که چهل مرد مشهور آنها همگی مصنف بوده‌اند» با ذکر موضوع کتاب‌هایشان^{۵۳} و «خاندان دعویدار به قم».^{۵۴}

۲. فقیهان.

۳. متکلمان.

۴. محدثان.

۵. مذکران که ۷۸ تن را در شهرهای قم، آبه، کاشان و سبزوار یاد کرده است. اینان بعضی مصنف ده ها جلد کتاب و مربیان ده‌ها شاگرد بوده‌اند.^{۵۵}

۶. مفسران.^{۵۶}

۷. امامان قرائت‌های قرآن.

۸. زُهاد و عباد و اهل اشارت.

۹. ادیبان.^{۵۷}

۱۰. طبقه سیاستمداران شیعه که عبارت اند از:

یک. طبقه سلاطین و جهان‌بانان؛^{۵۸}

^{۵۲} (۳). همان، ص ۲۰۹.

^{۵۳} (۱). همان جا.

^{۵۴} (۲). همان، ص ۲۱۲.

^{۵۵} (۳). همان، ص ۲۰۹-۲۱۲.

^{۵۶} (۴). همان، ص ۲۱۲.

^{۵۷} (۵). همان، ص ۲۱۳.

^{۵۸} (۶). همان، ص ۲۱۴-۲۲۱.

دو. طبقه وزرا و اصحاب قلم؛^{۵۹}

سه. طبقه مستوفیان معتبر؛^{۶۰} چهار. خواجهگان رؤسا؛^{۶۱}

ص: ۳۳

پنج. دهخدایان؛^{۶۲}

شش. تقیبان؛^{۶۳}

۱۱. معماران.^{۶۴}

۱۲. ثروتمندان و اشراف.^{۶۵}

۱۳. شاعران.^{۶۶}

در بحث طبقه سیاستمداران، عبد الجلیل با یادکرد نام مشهورترین آنها کوشیده که اقدامات مهم ایشان را ذکر کند و این اقدامات، شامل بناهای عام المنفعه، چون بیمارستان، راه و ... و نیز بناهای علمی، چون مدارس و بناهای مذهبی، چون مساجد و جوامع و بناهای خاص شیعی، چون بُقاع متبرکه امامان شیعه در عراق و حجاز می‌شود.

عبد الجلیل نشان می‌دهد که اندیشه تشیع و شیعیان از آغاز اسلام حضور داشته و تداوم تاریخی یافته اند. آنها هرگز به صورت فرقه‌ای جدا از بیکره اصلی جامعه اسلامی نزیسته اند؛ بلکه بخشی از آن به شمار آمده اند. این گروه، با حفظ عقاید خود و دفاع عقلانی و استدلالی از آنچه صحیح می‌دانسته‌اند، به تعامل با اکثریت اهل سنت پرداخته‌اند. آنها با رویه مسالمت‌آمیز خویش و دوری گزیدن از فرقه‌های تندرو و عقاید ساختارشکن، در دل فرهنگ اسلامی زیسته‌اند. گسترش جمعیت ایشان توانسته برای آنها شهرها و آبادی‌های پُرجمعیت به ویژه در ایران و عراق و بخش‌هایی از شام به وجود آورد. آنها هم‌چنین به جز رده خلافت که تقریباً در اکثر تاریخ اسلامی، به طور مداوم در اختیار اهل سنت بوده است (مگر دوره کوتاه امام علی علیه السلام در دیگر طبقات اداری جهان اسلام همچون منا صوب سلطنت، وزارت، ولایت شهرها، قضا، نقابت، حسبه و ... حضور داشته‌اند و در سده‌هایی چند هم توانسته‌اند سلسله‌های مستقل به وجود آورند.

ص: ۳۴

^{۵۹} (7). همان، ص 216-221.

^{۶۰} (8). همان، ص 222.

^{۶۱} (9). همان، ص 223.

^{۶۲} (1). همان جا.

^{۶۳} (2). همان، ص 224.

^{۶۴} (3). همان، ص 223.

^{۶۵} (4). همان، ص 225-226.

^{۶۶} (5). همان، ص 227-232.

جامعه شیعیان، با پرورش ده ها فقیه و متکلم، خطیب، زاهد و محدث و ادیب و مفسر و ایجاد ده ها مدرسه، کتاب و کتابخانه، مسجد و جامع، مزار و ... نیز پابندی به ده ها رسم معروف در فرهنگ اسلامی و نیز ابداع رسوم ویژه فرهنگ شیعی، نقش غیرقابل انکاری در تمدن اسلامی داشته اند.

نتیجه گیری

می توان از روایت عبد الجلیل قزوینی دریافت که شیعیان، نقش های زیر را در فرهنگ و تمدن اسلامی داشته اند:

۱. مشارکت در تداوم فرهنگ و تمدن اسلامی در مناطق خود؛

۲. مشارکت در ساختار اداری فرهنگ و تمدن اسلامی؛

۳. مشارکت در ساختار سیاسی فرهنگ و تمدن اسلامی؛

۴. مشارکت در ایجاد رقابت فرهنگی درونی در تمدن اسلامی؛

۵. سهم ایرانیان در شکوفایی فرهنگ شیعی و تمدن اسلامی.

این دریافت نیز به دست می آید که با توجه با این که ایران، جایگاه رواج و رونق فرهنگ شیعی تا روزگار مؤلف بوده است، می تواند سهم ایرانیان در رونق فرهنگ و تمدن اسلامی را نیز نشان دهد.

البته ناگفته نماند که عبد الجلیل از دیگر طبقات فرهیخته شیعه که آنان نیز نقش غیرقابل انکاری در ابعادی از تمدن اسلامی داشته اند، همچون پزشکان، فیلسوفان، منجمان، مورخان و ریاضی دانان یاد نکرده است که می توانسته هم حاصل نگاه متکلمان و فقیهان او باشد و یا این که حکایت از کم رونقی این دانش ها در دوران مؤلف داشته باشد که خود از علل انحطاط تمدن اسلامی هم به شمار می آید.

ص: ۳۵